



ردپای ترکیبیات در فقه شیعی

پدیدآورده (ها) : محمدحسینی، محمدجواد
تاریخ :: تاریخ علم :: بهار و تابستان 1393 - شماره 16 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 73 تا 94
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1199916>

دانلود شده توسط : احسان رمضانی
تاریخ دانلود : 05/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تاریخ علم، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۳-۹۴

ردپای ترکیبات در فقه شیعی

محمدجواد محمدحسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علم، پژوهشکده تاریخ علم، دانشگاه تهران

mjavadmh@yahoo.com

(دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۱، پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۶)

چکیده

شهید اول یکی از فقهای بزرگ قرن هشتم هجری قمری است که آثار او هنوز به عنوان کتاب درسی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود. وی در کتاب غایة المراد در ضمن مبحث نماز قضاء به یکی از مباحث ریاضیات گسسته اشاره می‌کند. در نماز قضا به فتوای برخی فقها باید ترتیب را رعایت کرد و اگر چند نماز از مکلف فوت شده باشد او موظف است که نمازها را به همان ترتیبی که از او فوت شده قضا نماید. حال اگر ترتیب نمازها را فراموش کرده باشد به فتوای برخی فقها باید آن قدر نماز بخواند که اطمینان یابد که ترتیب را رعایت کرده است. این فقیه عالی‌قدر برای حل این مسئله فقهی روشی را بیان می‌کند که کار مقلدان برخی از مراجع گذشته را راحت‌تر نماید. شهید ثانی که شارح یکی از آثار شهید اول (اللمعة الدمشقیة) است، با توضیحات کافی از تابعی که امروز به نام فاکتوریل موسوم است می‌گوید و جای شکی باقی نمی‌گذارد که مفهوم این تابع را به خوبی درک کرده است. ما در این مقاله علاوه بر اقوال شهید اول به تحقیق درباره اقوال موجود در این مسئله و راه حل‌های ارائه شده توسط برخی فقها نیز پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: شهید اول، شهید ثانی، غایة المراد، نماز قضاء.

مقدمه

سابقه آشنایی با مسائل ترکیبیات در دوره اسلامی به قرن دوم هجری بازمی‌گردد. از زمان خلیل بن احمد فراهی، فرهنگ‌نویسان و زبان‌شناسان از روش‌های ترکیباتی استفاده می‌کردند که البته کاری با اثبات آن روش‌ها نداشتند. در اواخر قرن ۴ هجری کرجی مثلث حسابی و قانون تشکیل آن و بسط دوجمله‌ای را ابداع کرد. عبارات او فرمول‌هایی جبری هستند که معنای ترکیباتی دارند. همچنین خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۹۲ق) در شرح اشارات برای بیان سلسله صدور تا سومین مرتبه موجودات از زبان و روش‌های ترکیباتی استفاده می‌کند و در رساله‌ای مستقل با نام «فی کیفیة الکثرة عن المبدأ الواحد» علاوه بر کوشش در جهت ارائه زبان ترکیباتی، آنالیز ترکیبی را پایه‌گذاری می‌کند و این جریان توسط کسانی چون ابراهیم حلبی، کمال‌الدین فارسی و ابن بنای مراکشی دنبال می‌شود (راشد، سراسر مقاله). در این مقاله نشان داده خواهد شد که برخی فقها نیز در بیان مسائل فقهی خود از ترکیبیات و تابعی که امروز به فاکتوریل موسوم است، استفاده کرده‌اند.

بیان مسأله

اگر مکلفی اجمالاً بداند نمازی از او قضا شده ولی نداند چه نمازی است، تکلیف او چیست؟ طبق نظر تمام علمای گذشته و حال، او باید یک نماز دو رکعتی، یک نماز سه رکعتی و یک نماز چهار رکعتی بجا آورد. اما اگر از مکلف چندین نماز فوت شود، آیا لازم است که او نمازها را به همان ترتیبی که فوت شده است، قضا نماید؟ فقها در این مورد نظرات مختلفی دارند اما بحث ترتیب در میان فتاوی مراجع امروزی دیگر مطرح نیست. تنها چیزی که طبق نظرات مراجع تقلید عصر حاضر در نماز قضا باید ترتیب رعایت شود نماز ظهر و عصر از یک روز و نیز نماز مغرب و عشا از یک روز است. برای مثال اگر در یک روز مشخص هم نماز ظهر و هم نماز عصر مکلف فوت شود مکلف باید حتماً اول نماز ظهر را قضا کند و بعد نماز عصر را بجا آورد. در غیر این صورت دیگر رعایت ترتیب لازم نیست حتی اگر ترتیب فوت شدن نمازها را بداند. اما فقهای پیشین در مورد رعایت ترتیب بعضاً بحث‌های مفصلی انجام دادند و نظرات مختلفی ابراز داشته‌اند. در غایة المراد، بخش «کتاب الصلاة» و در بخش «الصلوة القضاء» (ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۹) چندین مسأله فقهی ذکر شده است که یکی از این مسائل توجه مورخ ریاضیات را به خود جلب می‌کند. شهید

ثانی نیز در کتاب الروضة البهية که شرح کتاب اللمعة الدمشقية از شهید اول است به این موضوع پرداخته است (ج ۱، ص ۷۳۲-۷۴۱). قبل از ورود به بحث مرور کوتاهی خواهیم داشت بر شخصیت و زندگی شهید اول و شهید ثانی و نیز کتاب‌های غایة المراد، اللمعة الدمشقية و الروضة البهية.

شهید اول: محمد بن مکی (۷۳۴-۷۸۶ق)، معروف به شهید اول، یکی از اعظم فقهای شیعه است. او شاگرد شاگردان علامه حلی، از جمله فخر المحققین (فرزند علامه حلی) بوده است. یکی از کتاب‌های معروف شهید اول در فقه اللمعة الدمشقية است که آن را در مدت کوتاهی، در همان دوران زندانی که منجر به شهادتش شد، تألیف کرده است. عجیب این است که این کتاب شریف را، دو قرن بعد، فقیه بزرگ دیگری شرح کرد که او نیز سرنوشتی مانند مؤلف داشت، یعنی شهید شد و شهید ثانی لقب گرفت (عقیقی بخشایشی، ص ۱۴۹).

غایة المراد که از باارزش‌ترین کتاب‌های فقهی شهید اول است، یکی از معتبرترین شروح کتاب ارشاد الأذهان علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) است. این کتاب به منظور شرح قسمت‌های مشکل و نکته‌های ارشاد الأذهان و بیان وجوه و نظریات مختلف در آن تألیف شده است. این کتاب بر خلاف سایر کتاب‌های فقه استدلالی مؤلف، مانند الدروس و البیان، تمام ابواب فقه را در برداشته و تمام کتاب ارشاد الأذهان را که خود یک دوره کامل فقه است، به صورت به اصطلاح شرح بالقول (قوله... اقول) شرح کرده است. این کتاب از نظر استقصاء اقوال و نظریات فقهی در زمان خود کم نظیر بوده است و بعدها کتاب‌هایی هم چون مفتاح الکرامة و جواهر الکلام به همین سبک تدوین شده‌اند. این کتاب از زمان نگارش، مورد توجه فقهای عظام واقع شده است و بزرگانی همچون فاضل مقداد (م ۸۲۶ق) در التنقیح الرائع، ابن فهد (م ۸۴۱ق) در المذهب البارع، محقق کرکی (م ۹۴۰ق) در جامع المقاصد و آثار دیگرش، شهید ثانی (م ۹۶۵ق) در اکثر تألیفاتش، سید محمد بن علی عاملی (م ۱۰۰۹ق) در مدارک الأحکام، سید محمد جواد عاملی (م ۱۲۲۷ق) در مفتاح الکرامة، شیخ محمد حسن

نجفی (م ۱۲۲۶ق) در جواهر الکلام و شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق) در المکاسب از آن استفاده کرده‌اند و به آن استناد کرده‌اند.^۱

شهید ثانی: شیخ زین‌الدین معروف به شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ق)، نیز از اعاضم فقهای شیعه است که مردی جامع بوده و در علوم مختلف دست داشته است. او اهل جبل عامل است و علاوه بر فقه و اصول، از فلسفه و عرفان و طب و نجوم نیز آگاهی داشته است. یکی از آثار مهم شهید ثانی کتاب الروضة البهية معروف به شرح لمعه است که شرح کتاب اللمعة الدمشقية است و حدود ۱۵۰ سال بعد از تألیف آن شرح شده است. شرح لمعه از قدیم تا کنون، جزء کتب درسی در حوزه های علمیه بوده است (عقیقی بخشایشی، ص ۱۹۱).

طرح بحث و ارائه راه حل‌ها

شهید اول در فرع اول مسأله به صراحت می‌گوید در نمازهایی که تعداد رکعات آنها برابر است، یعنی ظهر و عصر و عشاء، رعایت ترتیب در صورت فراموشی ترتیب فوت این نمازها لازم نیست. مثلاً اگر یک نماز ظهر و یک نماز عصر فوت شده باشد مکلف ابتدا یک نماز چهار رکعتی به نیت آنچه اولین نماز بر ذمه‌اش می‌باشد بجا می‌آورد. این اولین نماز اگر ظهر باشد نماز قضای مکلف هم ظهر محسوب می‌شود و اگر اولین نماز فوت شده در حقیقت امر عصر بوده باشد نماز قضای مکلف عصر محسوب می‌شود و به همین ترتیب یک نماز چهار رکعتی دیگر به نیت دومین نمازی که بر ذمه اوست بجا می‌آورد، چه ظهر باشد و چه عصر.

ذکر این نکته نیز ضروری است که آنچه شهید قبل از بیان فروع مسأله در مورد راه حل‌ها و مثال‌های آن که در ادامه مقاله به توضیحشان پرداخته خواهد شد، ارائه می‌کند همه با این فرض است که با نمازهایی که تعداد رکعات مساوی دارند همان گونه برخورد کنیم که با دو نماز با تعداد رکعات نامساوی برخورد می‌کنیم. به عبارتی دیگر شیوه برخورد شهید اول در مورد حل مسأله با دو فرض است. قبل از بیان فروع با فرض اینکه نمازهای با رکعات مساوی ناهمسان هستند و بعد از بیان فروع با این

۱. مطالب مربوط به کتاب غایة المراد برگرفته از نرم افزار جامع فقه اهل البیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی است.

فرض که نمازهای با رکعات مساوی همسان هستند و رعایت ترتیب بین آنها لازم نیست.

فتاوی فقها درباره مراعات ترتیب در نمازهای قضا

شهید ثانی در کتاب الروضة البهیة (ج ۱، ص ۷۳۲-۷۴۱) ضمن بررسی اقوال مختلف در این زمینه به بررسی راهکارهای ارائه شده توسط شهید اول پرداخته و خود راهی دیگر ارائه می‌کند. وی با استقصاء نظرات علما در این باره به چهار قول اشاره می‌کند:

۱- در قضا کردن نمازهای فوت شده اگر ترتیب را بدانند، باید ترتیب را رعایت کند و اگر ترتیب را نداند لازم نیست آن را رعایت کند.

۲- شهید اول قول دومی دارد مبنی بر اینکه ابتدا آنچه را گمان دارد مقدم است قضا کند و اگر گمانی ندارد، رعایت ترتیب ساقط است. این نظر را شهید اول در کتاب ذکر کرده است.

۳- به گمان یا به توهم خود در رعایت ترتیب عمل کند و اگر حتی توهمی هم از ترتیبی که فوت شده ندارد، رعایت ترتیب ساقط است.

۴- بعضی از یاران (فقه‌های شیعه) نظر چهارمی دارند مبنی بر اینکه واجب است آن قدر نمازها را قضا کند تا مطمئن شود ترتیب رعایت شده است.

پس علی‌الظاهر شهیدین خودشان به قول چهارم معتقد نیستند و آنچه می‌گویند راه‌هایی است برای مقلدان مراجعی که فتوا به قول چهارم (وجوب تکرار فرائض در صورت فراموشی ترتیب) می‌دهند.

تفصیل راه حل‌های ارائه شده برای عمل به قول چهارم

راهکارهای ذکر شده در کتاب شهید ثانی برای عمل به قول چهارم به جز راه سوم همان راه‌های ارائه شده توسط شهید اول در غایة المراد است و راه اولی هم که شهید اول در غایة المراد ارائه می‌کند، چنانکه بعداً خواهیم گفت، راهی است که محقق حلی ارائه داده است. بدین ترتیب با سه راه حل برای عمل به قول چهارم مواجه هستیم که راه اول آن از محقق حلی، راه دوم آن از شهید اول و راه سوم از شهید ثانی است.

صاحب جواهر فخریه در کتاب خویش شرح خوبی از آنچه شهید ثانی ذکر کرده می‌آورد (در حقیقت آنچه شهید ثانی ذکر می‌کند همان است که در غایة المراد آمده است به اضافه یک راه حل دیگر که مبدع آن خود شهید ثانی است) که نگارنده در توضیح راه حل‌ها از این شرح بهره برده است.

راه حل اول:

فیصلی من فاته الظهران من یومین ظهراً بین العصرین، أو بالعکس، لحصول الترتیب بینهما علی تقدیر سبق کلّ واحدة. ولو جامعهما مغرب من ثالث صلی الثلاث قبل المغرب وبعدها، أو عشاء معها فعل السبع قبلها وبعدها، أو صبح معها فعل الخمس عشرة قبلها وبعدها، وهكذا. والضابط: تکریرها علی وجه یحصل الترتیب علی جمیع الاحتمالات، وهی اثنان فی الأول. وستة فی الثاني، وأربعة وعشرون فی الثالث، ومائة وعشرون فی الرابع، حاصلة من ضرب ما اجتمع سابقاً فی عدد الفرائض المطلوبة، لو أضيف إليها سادسة صارت الاحتمالات سبعمائة وعشرين وصحّته علی الأول من ثلاث وستین فریضة وهكذا.

این راه حل با پنج مثال توضیح داده شده است::

۱- اگر از مکلف نماز ظهر و عصر از دو روز فوت شد و او ندانست که کدام یک اول فوت شده، طبق راه اول باید نماز عصر بخواند؛ سپس نماز ظهر و سپس نماز عصر. یا بالعکس اول نماز ظهر بخواند و بعد عصر و بعد ظهر را یک بار دیگر بخواند. مخفی نماند که در این مثال دو حالت وجود دارد: تقدم ظهر یا تقدم عصر.

۲- اگر یک نماز مغرب نیز با نمازهای ظهر و عصر از سه روز قضا شد و مکلف ندانست که کدام نماز مقدم است، طبق راه حل اول باید سه نمازی را که در مثال اخیر ذکر شد قبل از نماز مغرب و بعد از آن بجا آورد که در مجموع می‌شود هفت نماز: ظهر عصر ظهر مغرب ظهر عصر ظهر.

۳- مثال بعدی این است که با سه نمازی که ذکر شد یک نماز عشاء از روز چهارمی نیز همراه شود و مکلف نداند که کدام نماز مقدم است. طبق راه حل اول باید هفت نماز مثال اخیر را قبل و بعد از نماز عشاء بجا آورد که در مجموع ۱۵ نماز می‌شود.

۴- اگر با چهار نمازی که ذکر شد یک نماز صبح نیز از روز پنجمی همراه شود، باید طبق راه حل اول ۱۵ نمازی را که در مثال اخیر ذکر شد قبل و بعد از نماز صبح بجا آورد که در مجموع می‌شود ۳۱ نماز.

۵- اگر نماز ششمی با پنج نمازی که ذکر شد، همراه شود، مثل اینکه نماز صبح دو بار قضا شود، باید ۳۱ نمازی که در مثال اخیر ذکر شد قبل و بعد از نماز صبح بجا آورده شود که در مجموع ۶۳ نماز می‌شود.

راه حل دوم:

ويمكن صحتها من دون ذلك، بأن يصلى الفرائض جمع كيف شاء مكررة عددا ينقص عنها بواحد، ثم يختمه بما بدأ به منها فيصح فيما عدا الأولين (فوت الظهرين وفوت المغرب معهما لأن النتيجة لا تختلف عن الطريق الأول والثاني) من ثلاث عشرة في الثالث، وإحدى وعشرين في الرابع، وإحدى وثلاثين في الخامس.

و این راه دوم از راه‌هایی است که برای رعایت ترتیب صحیح بین نمازهای فوت شده ارائه می‌شود. این راه چنین است: نمازهای فوت شده را به تعداد یکی کمتر از تعداد نمازها به هر ترتیبی که خواست تکرار می‌کند و سپس کار خودش را با نمازی که ابتدا کرده بود، ختم می‌کند. مخفی نماند که این راه مخصوص مثال اول و دوم از مثال‌هایی که در راه حل اول ذکر شدند، نیست. طبق این راه دوم، مثلاً اگر چهار نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء فوت شود، باید نمازهای مذکور را سه بار تکرار کرد و فرقی نیست که به چه ترتیبی باشد و مثلاً ظهر اول باشد یا غیر آن. اما با هر نمازی که شروع کرد باید بعد از تکرار نمازها با همان نمازی که شروع کرده، کار خود را خاتمه دهد. بدین ترتیب برای مثال‌های سوم و چهارم و پنجمی که در بالا ذکر شد، به ترتیب ۱۳، ۲۱ و ۳۱ نماز لازم است.

این دو راه حل عیناً در غایة المراد نیز آمده است.

راه حل سوم:

ويمكن فيه بخمسة أيام ولاء، والختم بالفريضة الزائدة.

شهید ثانی می‌گوید در مثال پنجم از مثال‌هایی که برای راه حل اول ارائه شد، یعنی مثلاً فوت شدن دو نماز صبح و نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء، ممکن است

بتوان راه حل دیگری ارائه داد؛ و آن راه این است که پنج شبانه‌روز به طور متوالی نماز اقامه کرد و سپس کار را با فريضة ششم ختم کرد که در مجموع می‌شود ۲۶ فريضة و آن حاصل ضرب پنج در پنج است به اضافه فريضة ششم در مثال پنجم از مثال‌های پنجگانه.

نقد و بررسی راه حل‌های ارائه شده

قبل از بررسی باید مشخص کنیم که در این مسأله ما به دنبال چه چیزی هستیم؟ ما با دو سؤال مهم مواجه هستیم که باید پاسخ این سؤالات را از متن دریابیم:

فروض مسأله: آیا باید بین دو نماز هم‌جنس مثل دو نماز ظهر در دو روز مختلف همان‌گونه رفتار کنیم که با دو نماز غیر هم‌جنس رفتار می‌کنیم؟ (فرض اول) یا اینکه بالعکس اگر دو نماز هم‌جنس بودند، بین ترتیب آن دو فرقی قائل نیستیم؟ (فرض دوم) اگر فرض دوم صحیح باشد آیا می‌توان آن را برای نمازهایی که تعداد رکعات مساوی دارند، تعمیم داد؟

اصل مسأله: اگر n نماز از ما به ترتیبی که فراموش کرده‌ایم فوت شده باشد که m تای آنها هم‌جنس باشند، ما باید چند نماز و به چه نحو بجا بیاوریم که یقین حاصل کنیم به وظیفه خود در قضای نمازهای فوت شده عمل نموده‌ایم؟

در مورد فروض مسأله باید گفت که در این مسأله با توجه به نظر خود شهید اول در غایة المراد که در ضمن فروع مسأله متذکر آن شده است و نیز نظر محمد حسن نجفی صاحب کتاب بزرگ جواهر الکلام که در همین مقاله به آن اشاره خواهد شد، با دو نماز هم‌جنس مثل دو نماز ظهر از منظر فقهی باید همان معامله دو گوی هم‌رنگ و هم‌سان انجام شود و اگر مثلاً دو نماز صبح از دو روز مختلف از ما فوت شده باشد کافی است دو نماز صبح اقامه کنیم و در نماز صبحی که ابتدا بجا می‌آوریم نیتمان این باشد که این نماز مقدم است بر نماز دیگر. البته این که فرض اول ارجح است یا فرض دوم، ممکن است در بین فقها اختلافی باشد. ضمناً، بنا به نظر شهید اول و صاحب جواهر، فرض دوم را می‌توان به تمام نمازهای با رکعات مساوی تعمیم داد.

در مورد اصل مسأله باید گفت که این نوع مسائل در ریاضیات معمولاً به این شکل گفته می‌شوند که به چه ترتیب می‌توان چند گوی رنگی را در کنار هم قرار داد. اگر مثلاً دو گوی آبی داشته باشیم باید مشخص باشد که این دو گوی هم‌سان هستند

یا غیر همسان؟ اگر همسان باشند این دو گوی هر طور کنار هم واقع شوند فرقی ندارد و یک حالت حساب می‌شود اما اگر هر دو آبی باشد ولی به جهاتی ناهمسان باشند با دو گوی غیر هم‌رنگ از لحاظ شمارش تعداد حالات کنار هم قرار گرفتن هیچ فرقی نمی‌کنند.

بررسی راه حل اول: راه حل اول (راه حل محقق حلی) در مورد تکرار نمازها راه حلی قطعاً درست است و تمام حالات فوت شدن نمازها را در نظر می‌گیرد، اما چنان‌که در ادامه خواهیم دید کوتاه‌ترین راه نیست. این راه حل با فرض اول در غایه المراد و الروضة البهیه ارائه شده است. اما محمد حسن نجفی در کتاب خویش مسأله را با همین راه حل اول ولی با فرض دوم بدون تعمیم برای نمازهای با رکعات مساوی حل می‌کند که تفصیل آن در بخش سوم مقاله خواهد آمد.

بررسی راه حل دوم: اگر فرض اول را در نظر بگیریم که نمازهای هم‌جنس از روزهای مختلف همسان نباشند و بینشان ترتیب قائل باشیم و نماز ظهر روز «الف» را با حرف a و نماز عصر روز «ب» را با حرف b و نماز مغرب روز «ج» را با حرف c و نماز عشاء روز «د» را با حرف d و نماز صبح روز «ه» را با حرف e و نماز ظهر روز «و» را با حرف f و نماز عصر روز «ز» را با حرف g نشان دهیم و ترتیب نمازها برای ما نامشخص باشد و مثلاً قرار بگذاریم که با این ترتیب نمازهای فوت شده را ادا کنیم: a b c d e f g، بنا بر راه حل دوم که متعلق به شهید اول است و با فرض اول ارائه شده است، باید همین ترتیب را شش بار انجام دهیم و سپس به نماز a ختم کنیم.

واضح است که راحت‌ترین حالت، این است که ترتیب فوت شدن نمازها a b c d e f g باشد که کار ما در حقیقت در همان تکرار اول به اتمام رسیده است و باقی نمازهایی که می‌خوانیم بی‌فایده می‌باشد. اما دشوارترین حالت ترتیب زمانی اتفاقاً می‌افتد که ترتیب اصلی که باید بجا آورده شود این طور باشد: g f e d c b a. این ترتیب، دشوارترین حالت ترتیب است. زیرا در هر بار که ما نمازها را تکرار می‌کنیم فقط یک نماز به درد ما خورده است و باقی نمازها در آن تکرار بی‌فایده بوده است.

جدول ۱. راحت‌ترین ترتیب فوت شدن نمازها

A	B	C	D	E	F	G
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
A	B	C	D	E	F	G
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
A	B	C	D	E	F	G
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
A	B	C	D	E	F	G
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
A	B	C	D	E	F	G
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
A	B	C	D	E	F	G
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
A						
۴۳						

جدول ۲. دشوارترین ترتیب فوت شدن نمازها

A	B	C	D	E	F	G
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
A	B	C	D	E	F	G
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
A	B	C	D	E	F	G
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
A	B	C	D	E	F	G
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
A	B	C	D	E	F	G
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
A	B	C	D	E	F	G
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
A						
۴۳						

و یا اگر حتی یکی از دو نماز، ترتیب واقعی فوت شدنشان، طبق همان ترتیبی باشد که ما برای ادای نمازها آن را اختیار کرده‌ایم باز یکی از تکرارها بی‌فایده می‌شود و ترتیب مراعات شده است. مثلاً اگر ترتیب واقعی این طور باشد:

g f e d b a c که در حالت مذکور b و c پشت هم آمده و مثل همان ترتیبی است که ما برای ادای نمازها اختیار کرده‌ایم.

جدول ۳. ترتیب G F E D B A C

A ۱	B ۲	C ۳	D ۴	E ۵	F ۶	G ۷
A ۸	B ۹	C ۱۰	D ۱۱	E ۱۲	F ۱۳	G ۱۴
A ۱۵	B ۱۶	C ۱۷	D ۱۸	E ۱۹	F ۲۰	G ۲۱
A ۲۲	B ۲۳	C ۲۴	D ۲۵	E ۲۶	F ۲۷	G ۲۸
A ۲۹	B ۳۰	C ۳۱	D ۳۲	E ۳۳	F ۳۴	G ۳۵
A ۳۶	B ۳۷	C ۳۸	D ۳۹	E ۴۰	F ۴۱	G ۴۲
A ۴۳						

به عبارتی ملموس‌تر اگر ما در جدول حرکت افقی بیشتر و عمودی کمتر داشته باشیم سریع‌تر تکلیفمان را انجام داده‌ایم و ترتیب زودتر مراعات شده است. اما اگر حرکات عمودی بیشتر و افقی کمتر داشته باشیم یعنی ترتیب دیرتر رعایت شده است و هر چه ترتیب دیرتر رعایت شود کار سخت‌تر و زحمت ما بیشتر است. توضیح شکل مذکور در واقع معادل با این است که نمازهای فوت شده‌ای که بجا آورده می‌شود بهتر است در یک تکرار باشد و هر چه در یک دور تکرار، ما نمازهای بیشتری را مطابق ترتیب واقعی بجا آوریم کار ما راحت‌تر خواهد شد.

البته باید تذکر بدهم که ما در حقیقت ترتیب را نمی‌دانیم و یک ترتیب دلخواه انتخاب می‌کنیم. حال ترتیب دلخواه ما هر چه به ترتیب واقعی نزدیک‌تر باشد تکلیف ما در قضا کردن نمازهای فوت شده با مراعات ترتیب زودتر انجام شده است.

در راه حل دوم با ختم نمازها به نمازی که در ابتدا شروع کردیم راه هر گونه مثال نقض بسته است و بدترین حالت هم در این مدل جواب می‌دهد. و بدترین حالت این

است که مثلاً در مثال فوق پیکان نشان‌دهنده ترتیب واقعی قطر مربع 7×7 باشد. پس این راه حل، صحیح است و البته بهتر از راه حل اول. زیرا با تعداد نماز کمتری یقین به مراعات ترتیب پیدا می‌کنیم.

بررسی راه حل سوم: به طور اجمالی می‌توان گفت که راه سوم قطعاً صحیح نیست. زیرا مثال نقض دارد. اگر کسی نمازهایش در واقع به این ترتیب فوت شده باشد: عشا مغرب عصر ظهر صبح، و البته این ترتیب را فراموش کرده باشد و بخواهد به روش سوم عمل کند هیچ‌گاه ترتیب مذکور رعایت نخواهد شد.

ص ظ ع م ش ص ظ ع م ش ص ظ ع م ش ص ظ ع م ش ش

همان طور که ملاحظه می‌شود یک نماز صبح در اینجا کم می‌آید. لذا روش سوم که مبدع آن شهید ثانی است نمی‌تواند برای تمامی موارد درست باشد. البته خود شهید ثانی هم با احتمال خطای خود می‌گوید: «یمكن». اما به نظر می‌رسد شهید ثانی در ارائه راه حل سوم دقت کافی را نداشته و شتاب زده عمل کرده است.

تفصیل مسأله این است که چنانکه گفتیم بنا بر نظر فقهی شهید اول و صاحب جواهر الکلام (از میان فقهایی که آرایشان را بررسی کردیم شهید اول و صاحب جواهر الکلام در این خصوص به صراحت صحبت کرده‌اند) دو نماز هم‌جنس نیازی به رعایت ترتیب ندارند (صحت فرض دوم) و با یک نیت صحیح که قبلاً گفته شد برای قضای آنها کافی است دو نماز بجا می‌آوریم و دیگر دچار تکرار نمی‌شویم. پس یکی از این دو حالت محتمل است: یا شهید ثانی از حیث فقهی نظری مخالف داشته است و فرض اول را صحیح می‌دانسته است که البته ایشان به صراحت در این مورد نظری نداده است ولی با دو نماز ظهر از روزهای مختلف همان معامله دو نماز ظهر و عصر را کرده است، و یا اینکه جایگشت‌های تکراری را به حساب نیاورده است. شهید به صراحت می‌گوید:

لو أضيف إليها سادسة صارت الاحتمالات سبعاً وعشرين

منظور از «سادسة»، قطعاً نمازی هم‌جنس با یکی از نمازهای قبلی است. زیرا کل فرائض در هر روز ۵ نماز است. پس ناگزیر باید ششمین نماز ما با یکی از نمازهای قبلی هم‌جنس باشد. شهید می‌گوید اگر شش نماز داشته باشیم تعداد احتمالات ۷۲۰ می‌شود یعنی همان ۶! اگر او دو نماز هم‌جنس را یکی می‌دانست تعداد احتمالات

برابر با ۷۲۰ نمی‌شد. بلکه برابر با ۳۶۰ می‌شد، زیرا اگر از میان ۶ گوی، دو گوی همسان یا در اینجا از میان ۶ نماز، دو نماز همسان داشته باشیم تعداد حالات کنار هم قرار گرفتن این نمازها که شهید با عنوان «احتمالات» از آن یاد می‌کند برابر می‌شود

$$\text{با: } \frac{6!}{2!} = 360$$

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا این احتمالات را برای سخن شهید اول در غایة المراد مطرح نمی‌کنیم ولی برای شهید ثانی در روضة البهیة مطرح می‌کنیم؟ دلیل این است که شهید اول به طور صریح و واضح متعرض این مسأله شده است و در بیان فروع مسأله به صراحت در مورد نمازهای متمائل نظر خود را ایراد می‌کند. لذا قبل از بیان فروع مسأله می‌گویید:

وعلى هذا لو كانت سادسة تصير الاحتمالات سبعمائة وعشرين، والصحة من ثلاث وستين فريضة. ولو كانت سابعة كانت الاحتمالات خمسة آلاف وأربعين احتمالاً، والصحة من مائة وسبع وعشرين. وضابطه أن يحاط بفريضة واحدة متساويان نظماً يصحّ دون ذلك الفرض من أحدهما إن كان تحته فرض، وبالأخير تدخل الفريضة.

بنا بر این او خود تصریح کرده است (علی هذا) و می‌گوید سخنی که می‌گویم با این فرض است که برای نمازهای متمائل هم استقلال قائل شویم و آنها را یکی در نظر بگیریم و بعد از ارائه راه حل‌ها نظر خود را به صراحت در مورد نمازهای متمائل بیان می‌کند. اما شهید ثانی که متأخر از شهید اول است و غایة المراد را مطالعه کرده است، پس سکوت او در مقابل نمازهای متمائل معنادار است و نشان می‌دهد که یا نظر فقهی متفاوتی داشته یا جایگشت‌های تکراری را محاسبه نکرده است.

به هر حال شهیدین در اینجا از نظر ریاضی کار جالب توجهی انجام دادند و آن استفاده از تابع فاکتوریل است که بعداً به تفصیل در این مورد سخن خواهیم گفت. طبیعی است اگر شهید ثانی در ابتدای راه از جایگشت‌های تکراری غفلت کرده باشد. مضافاً به اینکه شهید، اصالتاً یک فقیه بوده نه یک ریاضی‌دان و نباید دقت‌های بالای ریاضی از او توقع داشت. اگر قبول کنیم که اشتباه شهید ثانی در عدم محاسبه جایگشت‌های تکراری بوده و او نمازهای هم‌جنس را یکسان در نظر می‌گرفته است

باز در اینجا یک سهو مرتکب شده است و با استقرایی ناقص روش سوم را تعمیم داده است.

برای مثال اگر فریضة زائده یا نماز ششم را نماز صبح در نظر بگیریم و این نماز صبح را هم جنس با نماز صبح قبلی بدانیم، داریم:

جدول ۴. ادای نمازها با راه حل سوم اگر فریضة زائده، نماز صبح باشد

ص	ظ	ع	م	ش
۱	۲	۳	۴	۵
ص	ظ	ع	م	ش
۶	۷	۸	۹	۱۰
ص	ظ	ع	م	ش
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ص	ظ	ع	م	ش
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ص	ظ	ع	م	ش
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
ص				
۲۶				

در این مثال، نمازهای صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا به اضافه نماز صبح از یک روز دیگر فوت شده است و راه حل این است که یک شبانه روز را کامل در نظر بگیریم و آن را پنج بار انجام دهیم و نماز صبح روز دیگر را در انتها بجا آوریم. ترتیب واقعی در این مثال هر چه باشد ما با این راه حل آن ترتیب را مراعات کرده ایم. زیرا در بدترین حالت ترتیب (ش م ع ظ ص ص) که در هر شبانه روز فقط یک نماز مطابق ترتیب واقعی باشد، آخرین نماز صبح مشکل را حل می کند اما اگر هر نمازی به جز نماز صبح، ششمین نماز باشد و قرار باشد در انتها آن را بجا آوریم، مثال نقض داریم. مثلاً اگر فریضة زائده ما نماز ظهر باشد و ترتیب واقعی این گونه باشد: ش م ع ظ ظ ص، این ترتیب به هیچ وجه با راه حل شهید ثانی عملی نمی شود. زیرا بعد از نماز ظهري که با شماره ۲۲ (در جدول ۵) نشان داده شده است نماز صبحی خوانده نمی شود. یادآوری می کنم که نماز صبح هایی که قبلاً خوانده شده مشکل را برطرف نمی کند، چون هیچ یک مطابق ترتیب واقعی نبوده است. حال اگر فریضة زائده، عصر

یا مغرب یا عشا نیز باشد مثال نقض داریم. این اشتباه ایشان را فقط باید به خاطر کم دقتی ایشان بدانیم و اینکه شاید شتاب زده نتیجه نماز صبح را تعمیم داده و روش کلی ارائه داده است.

جدول ۵. ادای نمازها با راه حل سوم اگر فریضة زائده، نماز ظهر باشد

ص	ظ	ع	م	ش
۱	۲	۳	۴	۵
ص	ظ	ع	م	ش
۶	۷	۸	۹	۱۰
ص	ظ	ع	م	ش
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ص	ظ	ع	م	ش
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ص	ظ	ع	م	ش
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
ظ				
۲۶				

اگر فریضة زائده با هیچ یک از فرایض قبلی یکسان نباشد (یعنی نظری مخالف نظر شهید اول و صاحب جواهر) پر واضح است که این روش غلط است. به عبارت دیگر ما باید برای فریضة زائده یک نماد دیگر مثل «ز» در نظر بگیریم، آن وقت راه حل شهید فقط در صورتی جواب می دهد که مطمئن باشیم فریضة زائده قطعاً بعد از نمازهای پنج گانه قبل فوت شده است. بدین ترتیب فقط راه حل های اول و دوم، درست است و نیز راه حل دوم بهتر از راه حل اول است، چرا که با تعداد نمازهای کمتری، یقین حاصل می شود که ترتیب مراعات شده است.

جنبه ابداعی کار شهید اول و ثانی

این دو برای حل یک مسأله فقهی دست به ابتکاری جالب زده اند و تعداد حالات کنار هم قرار گرفتن نمازها را با استفاده از تابعی که امروزه به فاکتوریل مشهور است، به دست آورده اند و تعریفی بازگشتی از این تابع ارائه داده اند. تعریف شهید اول از این قرار است:

إن أضيف إليها عشاء كانت الاحتمالات مائة وعشرين حاصلة من ضرب خمسة في أربعة وعشرين. وعلى هذا لو كانت سادسة تصير الاحتمالات سبعمائة وعشرين، والصحة من ثلاث وستين فريضة. ولو كانت سابعة كانت الاحتمالات خمسة آلاف وأربعين احتمالاً، والصحة من مائة وسبع وعشرين.

و تعریف شهید ثانی نیز چنین است:

... هي اثنان في الأول، وستة في الثاني، وأربعة وعشرون في الثالث، ومائة وعشرون في الرابع، حاصلة من ضرب ما اجتمع سابقاً في عدد الفرائض المطلوبة...

اگر این عبارات را بخوایم به صورت امروزی بازنویسی کنیم داریم:

$$2! = 2 \times 1 = 2 \quad 3! = 3 \times 2! = 6 \quad 4! = 4 \times 3! = 24$$

$$5! = 5 \times 4! = 120 \quad 6! = 6 \times 5! = 720 \quad 7! = 7 \times 6! = 5040$$

اگر چه شواهدی مبنی بر استفاده از تابع فاکتوریل در ۱۱۵۰ میلادی یعنی حدود ۴۰۰ سال قبل از شهید ثانی و حدود ۲۰۰ سال قبل از شهید اول توسط هندیان در دسترس است (نک: بیگس،^۱ سراسر مقاله)، لکن در سرزمین‌های اسلامی این کار نویی به حساب می‌آید. از طرف دیگر شهید اول سعی داشته تا راه حلی ساده‌تر برای مقلدان مراجع سلف ابداع کند و برای این امر دو راه حل (یکی راه حل محقق حلی و دیگری راه حل ابداعی خودش) را ارائه داده است. راه حل دوم شهید، راه حل ارزشمندی است و نشان از بینش ریاضی او دارد.

در کلام شهید اول البته لغزشی نیز وجود دارد. وی علی رغم بیان درست قاعده در ضمن بیان مثال مرتکب اشتباه شده است. شهید اول در ضمن بیان فرع مسأله که نمازهای متمائل همسان هستند و در زمینه رعایت ترتیب لازم نیست بین آنها تفکیک قائل شد، مثالی می‌آورد که خالی از اشکال نیست. او می‌گوید:

إن كان معهما مغرب وسطها بين أربع فرائض على هذا النظم، فيصلی أربعین مطلقتين، ثم مغرباً ثم أربعین مطلقتين. ولو كان معهنّ عشاء وسط المغرب بين الست المطلقات، وعلى هذا.

1. Biggs

به عبارت دیگر، اگر دو نماز ظهر و عصر و یک نماز مغرب از ما فوت شده باشد، دو نماز چهار رکعتی را تفکیک قائل نمی‌شویم و بدین ترتیب عمل می‌کنیم که ابتدا یک نماز چهار رکعتی به نیت مطلق و ما فی الذمه بجا آورده و سپس یک نماز مغرب و سپس یک نماز چهار رکعتی بجا می‌آوریم. این کلام، درست نیست. اگر نماز چهار رکعتی را با نماد «چ» نشان دهیم، طبق سخن شهید اول داریم: چ م چ. در حالی که اگر ترتیب واقعی این گونه باشد که ابتدائاً نمازهای چهار رکعتی فوت شده باشد و سپس نماز مغرب، داریم: چ چ م؛ و یا داشته باشیم: م چ چ. در این دو صورت نمازهای چهار رکعتی را هر چه در نظر بگیریم، چه ظهر باشد و چه عصر، ترتیب رعایت نشده و ترتیب مورد نظر شهید اول فقط برای زمانی جواب می‌دهد که نماز مغرب بین دو نماز ظهر و عصر فوت شده باشد.

مروری بر سیر تاریخی بیان این فرع فقهی

حال نگاهی بیندازیم به کلام برخی از فقهای شیعه و ببینیم اولاً فتوای آنان در این باره چه بوده است؟ و ثانیاً اگر فتوا به رعایت ترتیب، حتی در صورت نسیان می‌دهند، چه راهکاری ارائه می‌دهند؟

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)

ایشان فتوا به وجوب رعایت ترتیب می‌دهد هر چند که به واسطه نسیان دچار تکرار بشویم اما در مورد راه حل آن چیزی نمی‌گوید (الخلاف، ج ۱، ص ۳۸۲).

محقق حلی (۶۰۲-۶۷۲ق)

محقق حلی ضمن بیان نظر خود مبنی بر اینکه در صورت نسیان، اتیان ترتیب ساقط می‌شود اما در مورد راه حل عمل کردن به فتوای وجوب مراعات ترتیب حتی در صورت نسیان همان راهی را ارائه می‌کند که توضیح آن گذشت و آن همان راه حل اول است که در کتاب غایة المراد ذکر شد. البته باید توجه کرد محقق حلی بر شهید اول مقدم است. پس می‌توان گفت مبدع روش اولی که شهید اول ذکر کرده است، محقق حلی است چرا که می‌فرماید:

وجه الوجوب: أنه أمكن الإتيان بالترتيب المشروط فلا يسقط، ووجه السقوط: عدم العلم بالسابق، والترتيب تخمين وكلفة فلا يصار إليه، فإن قلنا بالترتيب صلى الظهر، ثم العصر، ثم الظهر ليحصل اليقين بالترتيب، وكذا لو فاتته الظهر

والعصر والمغرب كل فريضة من يوم قضى الظهر، ثم العصر، ثم الظهر، ثم المغرب، ثم الظهر، ثم العصر، ثم الظهر ليحصل الترتيب على يقين،» (المعتبر في شرح المختصر، ص ۴۱۰).

علامه حلی

علامه حلی در منتهی المطلب فی تحقیق المذهب نظر قطعی نمی‌دهد که آیا در صورت نسیان مراعات ترتیب واجب است یا خیر اما این را مطرح می‌کند که اگر انجام تکرارها ممکن باشد رعایت ترتیب ممکن است واجب باشد و در ضمن همان روش محقق حلی را ذکر می‌کند. اما در ارشاد (ص ۲۷۱) به صراحت فتوا به تکرار می‌دهد تا ترتیب حاصل شود. علامه حلی در تذکره (ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵) نظر شافعی از علمای اهل سنت را نقل می‌کند که می‌گوید اگر چند نماز ظهر قضا شده باشد لزومی ندارد که قید کنیم کدام نماز اولین نمازی بوده که فوت شده است.

شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰ ق)

شیخ بهایی با ذکر اینکه بعضی از علما رعایت ترتیب را واجب دانسته‌اند سه راه حل ارائه می‌دهد که راه دوم همان راه محقق حلی است و راه حل اول طولانی است و عملاً فایده‌ای ندارد زیرا ما دنبال راه حلی هستیم که کار را آسان‌تر کند. نیز شیخ متعرض بالاتر از پنج نماز نمی‌شود و راه حل سومی که برای فوت شدن پنج نماز ارائه می‌کند همان راه حل شهید ثانی است که نقد آن گذشت و در مورد اینکه آیا در مورد ترتیب دو نماز هم‌جنس از روزهای مختلف باید همان معامله با نمازهای غیر هم‌جنس را کنیم، کلامی نمی‌گوید (جامع عباسی، ص ۲۲۶).

محمد حسن نجفی

وی در ابتدا تأکید می‌کند که بین تمام علمای اسلام اجماع است که اگر مکلف ترتیب بین نمازهای فوت شده را بداند باید حتماً مطابق ترتیبی که از او فوت شده قضا نماید. سپس به تفصیل و توضیح راه‌های ارائه شده توسط شهیدین در غایة المراد و الروضة البهية می‌پردازد و در توضیح راه اولی که شهیدین ارائه دادند و ذکر آن گذشت که مبدع آن محقق حلی است، به نکته جالبی اشاره می‌کند که نشان از دقت ریاضی او دارد. وی می‌نویسد که فريضة ششم هر چه باشد مثل یکی از فرائض قبل است و بین نمازهای همسان مثل دو نماز ظهر رعایت ترتیب لازم نیست لذا اگر دو

نماز ظهر و یک نماز مغرب و یک نماز عشاء و یک نماز عصر و یک نماز صبح داشته باشیم تعداد نمازهایی که باید بجا آورده شود ۴۷ نماز است. صاحب جواهر که معلوم است به جایگشت‌های تکراری دقت دارد خاطر نشان می‌کند که اگر نمازهای فوت شده ما دو ظهر و یک عصر باشند، تعداد حالات کنار هم قرار گرفتن آنها سه تاست. این یعنی همان چیزی که ما امروز این طور می‌نویسیم: $\frac{3!}{1!} = 3$.

نجفی ادامه می‌دهد که اگر به اینها یک نماز مغرب اضافه شود تعداد حالات ۱۲ می‌شود که حاصل ضرب ۴ در ۳ است و اگر یک عشاء اضافه شود تعداد حالات ۶۰ تا و اگر صبحی اضافه شود تعداد حالات ۳۶۰ تا می‌شود. اینها فقط تعداد حالات است، هر چند در ترتیب دخالتی نداشته باشد. بنا بر این ادعای اینکه با ۶۳ نماز ترتیب رعایت می‌شود خالی از اشکال نیست. زیرا اگر فقط ۲ ظهر و یک عصر باشد این گونه بجا آورده می‌شود: «ع ظ ع ظ ع»، که می‌شود ۵ نماز، و اگر یک مغرب اضافه شود برای رعایت ترتیب ۱۱ نماز کافی است: «ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع» و اگر یک عشاء اضافه شود داریم: «ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع ش ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع ظ ع» که می‌شود ۲۳ نماز، و در انتها اگر دو نماز ظهر و یک نماز مغرب و یک نماز عشاء و یک نماز عصر و یک نماز صبح داشته باشیم برای رعایت ترتیب باید نمازها را این طور بجا آورد: «ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع ش ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع ص ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع ش ع ظ ع م ع ظ ع م ع ظ ع»، که می‌شود ۴۷ نماز. همان طور که مشاهده می‌شود محمد حسن نجفی مسأله را با همین راه حل اول ولی با فرض دوم بدون تعمیم برای نمازهای با رکعات مساوی حل می‌کند.

سپس صاحب جواهر (ج ۱۳، ص ۱۹-۲۳) متعرض شهید ثانی می‌شود و می‌گوید: هر کس که الروضة البهية و غیر آن را مطالعه کرده باشد در می‌یابد که فريضة ششم، نماز آیات یا یک نماز شکسته نیست که بگوییم این نماز غیر از نمازهای یومیة پنجگانه است. مگر آنکه این گونه توجیه کنیم که منظور شهید لزوماً این نبوده که ۶۳ نماز، کمترین تعداد نماز برای رعایت ترتیب است.

اما در مورد نظر بیان شده در جواهر الکلام باید گفت این احتمال وجود دارد که فتوای شهید ثانی با فتوای صاحب جواهر در مورد نمازهای مماثل یکی نباشد. اگر این احتمال را بپذیریم و بخواهیم مطابق راه اول عمل کنیم آنگاه بین دو نماز ظهر هم

رعایت ترتیب لازم است و کمترین تعداد نماز از این راه برای این حالت (۶ فریضة فوت شده) همان ۶۳ نماز است. صاحب جواهر سپس به بیان راه‌های دوم و سوم پرداخته و بر همان مناقشه‌ای که در سطور قبل در مورد راه سوم به آن پرداختیم، صحه می‌گذارد که باز نشان از دقت مرحوم نجفی دارد و ایشان نیز راه سوم را غلط می‌داند. در انتها هم آن فرع شهید اول را در غایة المراد تکرار می‌کند و می‌گوید در نمازهایی که تعداد رکعات آنها برابر است یعنی ظهر و عصر و عشاء رعایت ترتیب در صورت فراموشی ترتیب فوت این نمازها لازم نیست. (تعمیم فرض دوم از نمازهای هم‌جنس به تمام نمازهای با رکعات مساوی)

ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱ق)

مرحوم عراقی ضمن بحث در مورد اینکه با توجه به دلایل ترتیب، علم اجمالی اقتضای این را دارد که انسان تا جایی که به حرج نیفتد باید سعی کند ترتیب را رعایت کند تا به تکلیف خود عمل کرده باشد، تصریح می‌کند اگر دو نماز از یک صنف بودند (مثل دو نماز صبح) برای قضای آنها دو نماز کافی است و ما حتی لازم نیست اولین نماز را به این نیت بخوانیم که این اولین نماز صبحی است که از ما فوت شده است.

در مورد فوت شدن دو و سه نماز، وی همان راه حل اول را ذکر می‌کند. اما در مورد کسی که پنج نماز از او فوت شده است همان نظر شهید اول و صاحب جواهر را دارند و می‌گوید این شخص برای نمازهای چهار رکعتی نیت خاصی نکند و در نظر نداشته باشد که ظهر است یا عصر یا عشاء (قبول فرض دوم و تعمیم آن از نمازهای هم‌جنس به تمام نمازهای با رکعات مساوی). با این کار ما پنج نماز داریم که سه تای آنها همسان است و تعداد حالات کنار هم قرار گرفتن آنها ۲۰ است. به نظر مرحوم عراقی، اگر مغرب و صبح را ابتدا بجا آوریم و سپس یک نماز چهار رکعتی به نیت ما فی الذمه و بعد آنچه را گذشت تکرار کنیم و بعد دوباره یک نماز چهار رکعتی و بعد از آن دو تای اول (مغرب و صبح) را تکرار کنیم با نُه نماز ترتیب حاصل خواهد شد (شرح تبصره، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۱).

اگر نماز چهار رکعتی را با «چ» نشان دهیم، به قول مرحوم عراقی باید این گونه عمل کنیم: «م ص چ م ص چ چ م ص». این مدل مثال نقض دارد: «م چ چ ص چ»،

یعنی چنین ترتیبی را نمی‌توان مطابق آن مدل قضا کرد. البته اگر مرحوم عراقی مثلاً این ترتیب را انتخاب می‌کرد: «م ص چ چ چ م ص چ چ» شاهد مثال نقضی نبودیم. به هر حال نظر ایشان که ما بین نمازهای چهار رکعتی تفاوتی قائل نباشیم همان حرف شهید اول و صاحب جواهر است.

باید گفت که قول ایشان فقط در مورد نمازهای یک روز درست است یعنی از پنج نمازی که باید قضا کنیم، یک نماز دو رکعتی و یک نماز سه رکعتی و سه نماز چهار رکعتی باشد، و در بین این نمازهای چهار رکعتی مشخص نباشد که کدام یک ظهر و کدام عصر و کدام عشاء است.

نتیجه‌گیری

دقت فقها بر روی این مسأله بار دیگر صحنه بر ارتباط میان علوم مختلف در تمدن اسلامی می‌گذارد. فقها به حسب نیازی که داشتند برای آسان کردن کار مکلفین که کمتر نماز بخوانند به ریاضیات توجه کردند تا از زحمت آنها بکاهند. کاری که فقها کردند همان طور که صاحب جواهر می‌گوید وظیفه فقیه نیست (الأمر سهل، إذ المدار علی فعل ما يحصل به الترتیب، وأما کیفیت فلیس هو من وظائف الفقیه). جواهر، ج ۱۳، ص ۲۹) و هر مکلف می‌تواند برای انجام وظیفه خود بیندیشد که چه کند تا با کمترین زحمت تکلیف خود را ادا کرده باشد ولی فقها در این موضوع تحقیق کردند تا راه را نشان مکلفان بدهند. کار فقها بیشتر جنبه راهنمایی داشت؛ زیرا همان طور که مشاهده کردیم فقها این فروض را برای تعداد کمی نماز فوت شده مطرح می‌کردند و مثلاً برای کسی که ۲۰ نماز از او فوت شده باشد اظهار نظری نمی‌کنند که باید چه مقدار نماز بخواند. بلکه همان طور که گفته شد این کار را وظیفه خود نمی‌دانند و تنها برای راهنمایی با مثال‌هایی راه را به مکلفان نشان می‌دهند و برای این راهنمایی ناگزیر به استفاده از ریاضیات هستند؛ همان طور که در بحث تعیین قبله و ارث و مقدار آب گُر هم مجبور هستند مقداری ریاضی بدانند.

منابع

بهاءالدین عاملی، محمد بن حسین. (۱۴۲۹ق). جامع عباسی و تکمیل آن. محقق/مصحح: محققان دفتر انتشارات اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

راشد، رشدی. (۱۳۹۱ش). «حساب ترکیبات و مابعدالطبیعه: ابن سینا، طوسی و حلبی». ترجمه حسین معصومی همدانی. استاد بشر (پژوهش‌هایی در زندگی، روزگار، فلسفه و علم خواجه نصیرالدین طوسی). گزینش و ویرایش: حسین معصومی همدانی و محمدجواد انواری. تهران: میراث مکتوب.

شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۴ق). غایة المراد. محقق/مصحح: رضا مختاری. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. با حاشیه کلانتر. قم: کتابفروشی داوری.

شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف. محقق/مصحح: علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، مهدی طه نجف و مجتبی عراقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عراقی، آقا ضیاءالدین. (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمين، محقق/مصحح: محمد حسون. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۷۶ش). فقه‌های نامدار شیعه. قم: دفتر نشر نوید اسلام. علامه حلبی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. محقق/مصحح: فارس حسون. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

_____. (۱۴۱۲ق). تذکرة الفقهاء. محقق/مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

_____. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. محقق/مصحح: بخش فقه در جامعه پژوهش‌های اسلامی. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

محقق حلبی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. محقق/مصحح: محمد علی حیدری، سید مهدی شمس‌الدین، سید ابو محمد مرتضوی و سید علی موسوی. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.

نجفی، محمدحسن بن باقر. (۱۳۶۲ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تحقیق از ابراهیم سلطانی‌نسب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

N.L.Biggs. (1979). "The Root of Combinatorics". *Historia Mathematica*. Vol. 6. pp.109-136.